



The Methodology of the Hakim Nishapuri in Al-Mustadrak [Supplement] and Its Position from the Viewpoint of Two Major Islamic Sects^۱

Murtadha Qasemi Hamed^۲

Abstract

Various comments have been put forward concerning Hakim Nishapuri's book Al-Mustadrak ala al-Sahihayn [Supplement for What is Missing From al-Bukhârî and Muslim]. By examining the hadiths, it can be seen that the best opinion is that there are correct, good [hassan] and weak hadiths in it, and irrational comments about the book are not acceptable; Because some of the hadiths of this book are equivocal and univocal with the hadiths in Bukhari and Muslim books, and there are only slight differences. In this article, with a descriptive-analytical method, the method of Hakim Nishapuri in selecting narrations and evaluating them is extracted. The study of the narrations of the book indicates that he has paid attention to their various aspects in selecting the narrations and his method is the thematic classification of the narrations; paying attention to the conditions of Bukhari and Muslim in selecting narrations; providing evidence to prove the authenticity of the narrations; paying attention to listening [sima'] the hadith; paying attention to various ways of narrations; attention to quoting only the meaning of narrations; attention to fragmentation in narrations; mentioning hadiths as evidence; explanation of the documentation and chains and text of narration, attention to trusted narrators; explanation of the rijals [bibliographical points] of some hadiths; mentioning the sources of narrations; ijthad in regarding some narrations to be correct. Although Hakim has used a very good and accurate method in mentioning the authentic narrations in this book, his commitment to this method has not been the same everywhere, and in some cases, the narrations have been carried without any explanation or with insufficient explanation, which is why the audience/reader has encountered problems in dealing with some hadiths of the book.

Keywords: Hakim Nishapuri, Al-Mustadrak ala al-Sahihayn [Supplement for What is Missing From al-Bukhârî and Muslim], Methodology, Selection of Narrations, Conditions for the Validity of Narrations

^۱. Date of Submit: ۱۵, November, ۲۰۲۰ and Date of Accept: ۳, March, ۲۰۲۱.

^۲. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences Tehran, University of Islamic Sects; (m.ghasemihamed@mazaheb.ac.ir).



روش‌شناسی حاکم نیشابوری در المستدرک و جایگاه آن از دیدگاه

فریقین*

مرتضی قاسمی حامد**

چکیده

اظهارنظرهاى مختلفى درباره کتاب المستدرک على الصحیحین حاکم نیشابوری انجام شده است. با بررسی احادیث می‌توان پی برد بهترین نظرها این است که در آن احادیث صحیح، حسن و ضعیف وجود دارد و اظهارنظرهاى غیر منطقی در رابطه با کتاب، قابل پذیرش نیست؛ زیرا برخی از احادیث کتاب حاکم با احادیث کتاب‌های بخاری و مسلم مشترک لفظی یا معنوی هستند و تنها تفاوت‌های اندک وجود دارد. در این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی به استخراج روش حاکم نیشابوری در گزینش روایات و ارزیابی آن پرداخته می‌شود. بررسی روایات کتاب نشان می‌دهد او در گزینش روایات به جوانب مختلف آن‌ها توجه داشته و روش وی عبارت است از: دسته‌بندی موضوعی روایات؛ توجه به شروط بخاری و مسلم در انتخاب روایات؛ ارائه شواهدی برای اثبات صحت روایات؛ توجه به سماع حدیث؛ توجه به طرق گوناگون روایات؛ توجه به نقل به معنا در روایات؛ توجه به تقطیع در روایات؛ ذکر احادیث به صورت مسند؛ شرح و توضیح اسناد و متن روایات؛ توجه به روایان ثقه و مورد اعتماد؛ شرح و توضیح رجال برخی احادیث؛ ذکر منابع روایات؛ اجتهاد در انتساب برخی روایات به صحت. هرچند حاکم از روش بسیار خوب و دقیقی در ذکر روایات مستدرک بهره برده، اما التزام او به این روش در همه جا یکسان نبوده و در برخی موارد، روایات بدون هیچ توضیحی یا با توضیح ناکافی آمده است که همین علت، مخاطبان در مواجهه با برخی احادیث مستدرک با مشکلاتی مواجه شده‌اند.

واژگان کلیدی: حاکم نیشابوری، المستدرک على الصحیحین، روش‌شناسی، گزینش روایات، شروط صحت روایات.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳.

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران؛ (m.ghasemihamed@mazaheb.ac.ir).

مقدمه

پس از نگارش دو کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم، حاکم نیشابوری با نظر به نقایص آن دو کتاب و به خاطر عدم ذکر بسیاری از روایات که با توجه به شروط آن دو مؤلف صحیح می‌باشند، به تألیف کتاب المستدرک علی الصحیحین دست زد، تا بدین وسیله در صدد تکمیل کار آن دو برآید، اما بنا به دلایلی این کتاب مورد طعن برخی از علمای اهل سنت قرار گرفته است. از این رو، این تحقیق در صدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است: بهترین اظهار نظر در رابطه با کتاب حاکم کدام است؟ روش حاکم نیشابوری در ذکر روایات چگونه است؟ روش حاکم در ذکر روایات چگونه ارزیابی می‌شود؟ بنابراین این تحقیق ضمن پاسخ‌گویی به سؤالات فوق، به دنبال ارائه نقاط قوت و ضعف اثر حاکم است، تا بتوان از آن به شکل صحیح الگوبرداری کرد.

الف. شخصیت علمی حاکم نیشابوری

حاکم نیشابوری در روز دوشنبه سوم ربیع الأول سال ۳۲۱ق در نیشابور به دنیا آمد (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۷/۱ - ۱۳) و پس از ۸۴ سال زندگی در روز چهارشنبه سوم (یا هشتم) صفر سال ۴۰۵ق در همان شهر در اثر سکنه قلبی درگذشت (سبکی، بی‌تا، ۱۶۱/۴؛ صفدی، ۱۴۱۱: ۳۲۰/۳؛ ذهبی، بی‌تا، ۱۰۴۵/۳).

او ابتدا در شهر خود به سماع حدیث پرداخت، سپس برای طلب حدیث به سرزمینهای دیگر از جمله عراق، مکه، خراسان و ماوراءالنهر مسافرت کرد (ذهبی، ۱۴۱۹: ۱۶۳/۱۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۸۲: ۵).^(۱) از این رو در اثر این سفرها و سماعهای فراوان، در علوم مختلف از جمله فقه، تصوف، فنون حدیث، حفظ حدیث و... متبحر گردید و سرآمد زمان خود شد (ر.ک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۵۲/۱).

او پس از پایان سفرهایش در سال ۳۵۹ق به نیشابور بازگشت و در آنجا به تدریس علوم حدیث مشغول شد و علاوه بر آن به مسند قضاوت نشست^(۲) (سبکی، بی‌تا، ۱۵۸/۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۸۲: ۶؛ زرکلی، ۱۹۹۲: ۲۲۷/۶). او سرانجام علاوه بر مسند قضاوت به عنوان منشی دربار آل‌بویه برای انجام امور دیوانی منسوب شد (ابن خلکان، ۱۴۲۰: ۲۸۱/۴؛ زرکلی، ۱۹۹۲: ۲۲۷/۶). طلاب بسیاری برای طلب حدیث نزد حاکم می‌آمدند و او توانست شاگردان صاحب نام بسیاری تربیت کند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۴/۱ - ۲۰؛ سمعانی، ۱۴۱۹: ۴۳۲/۱ و ۴۳۳).



بسیاری از علما و دانشمندان از جمله خطیب بغدادی (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۹۳/۳)، ذهبی (ذهبی، بی تا، ۱۰۳۹/۳؛ ذهبی، ۱۴۱۹: ۱۶۳/۱۷ - ۱۶۵)، حافظ ابن کثیر (ابن کثیر، ۱۴۱۱: ۳۳۵/۱۱)، سمعانی (سمعانی، ۱۴۱۹: ۴۳۲/۱)، سبکی (سبکی، بی تا، ۱۵۶/۴) و ابن خلکان (ابن خلکان، ۱۴۲۰: ۲۸۱/۴) او را ستوده‌اند.

حاکم نیشابوری تألیفات بسیاری داشت که در مورد تعداد آنها قولهای مختلفی وجود دارد. برخی ۵۰۰، برخی ۱۰۰۰، برخی ۱۵۰۰ و برخی دیگر ۲۵۰۰ کتاب گفته‌اند (ابن خلکان، ۱۴۲۰: ۲۸۱/۴)، مهم‌ترین آنها عبارتند از: تاریخ نیشابور، المستدرک علی الصحیحین، معرفة علوم الحدیث، مُزکی الاخبار، الاکلیل، سؤالات الحاکم للدارقطنی، معجم الشیوخ، تسمیة من اخرجهم البخاری و مسلم، و سؤالات السجزی للحاکم (ابن خلکان، ۱۴۲۰: ۲۸۱ و ۲۸۰/۴؛ ذهبی، بی تا، ۱۰۳۹/۳ - ۱۰۴۲؛ ذهبی، ۱۴۱۹: ۱۷۱/۱۷؛ حاجی خلیفه، بی تا، ۱۴۴/۱ و ۱۶۵؛ ابن حجر، ۱۴۰۶: ۲۳۳/۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵ ش/۳۸ - ۴۲؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۵۶ و ۵۵/۱؛ زرکلی، ۱۹۹۲: ۲۲۷/۶. جهت اطلاعات بیشتر از زندگی و آثار حاکم نیشابوری قاسمی حامد، ۱۳۸۷ ش/۴۴ - ۴۹؛ الزقعة، ۱۳۹۸ ق؛ سید جوادی و دیگران، ۱۳۸۰: ۶؛ حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ۴).

ب. معرفی کتاب المستدرک علی الصحیحین

۱. عنوان کتاب و زمان تألیف

مستدرک یعنی کتابی که در آن، روایاتی مطابق با شروط یکی از مصنفان حدیثی جمع‌آوری می‌شود، در حالی که مصنف آنها را در کتاب خود نیاورده است. بنابراین کتب مستدرک نوعی متمم و تکمله نسبت به کتابی به شمار می‌روند (مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۵ ش/۵۸ - ۵۹؛ معارف، ۱۳۸۳: ۱۱۹، به نقل از الحدیث و المحدثون، ۴۰۷)؛ زیرا به جمع‌آوری روایاتی که با شروط مصنف از صحت برخوردار بوده، ولی از قلم افتاده‌اند، می‌پردازند. از جمله کسانی که به مستدرک نویسی روی آورد، ابو عبدالله حاکم نیشابوری بود که اثر مشهور خود «المستدرک علی الصحیحین» را تألیف نمود. در مقدمه به نام آن اشاره نکرده است. نامه‌های مختلفی برای آن ذکر شده است که عبارتند از: مستدرک الصحیحین، المستدرک، الصحیح/حیح الحاکم و صحیح المستدرک. بنابراین به نظر می‌رسد که نام‌گذاری آن از سوی دیگران یا با توجه به بعضی سخنان حاکم، انجام گرفته باشد (ر.ک: حیدری نسب، ۱۳۹۰: ۱۴۸). اما نامی که اکنون به آن مشهور گشته، «المستدرک علی الصحیحین» است.

حاکم تألیف مستدرک را به درخواست جماعتی از مردم در سال ۳۷۳ق آغاز نمود (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۹۵/۱) که مورد استفاده همگان قرار گرفت.

۲. نوع و ساختار کتاب

این کتاب جامع مطلق است؛ یعنی هم کتب فقهی و هم کتب اعتقادی را شامل می‌شود. این کتاب موضوع محور می‌باشد که احادیث آن ذیل کتب، ابواب و فصول دسته‌بندی شده است. این اثر براساس شمارش مصطفی عبدالقادر عطا شامل ۸۸۰۳ حدیث است (سلفی، ۱۴۱۸: ۲۰) که از ۱۵۶۶ صحابی روایت شده است. در میان صحابیان روایت کننده حدیث، ۱۴۶۰ صحابی مرد و ۱۰۶ صحابی زن موجود است. در میان صحابیان مرد از نظر تعداد حدیث، عبدالله بن عباس (با ۶۷۲ حدیث که ۲۱۴ حدیث آن در تفسیر است)، ابوهریره (با ۵۷۴ حدیث) و انس بن مالک (با ۳۰۸ حدیث) رتبه‌های اول تا سوم را دارند. در میان صحابیان زن از نظر تعداد حدیث، عایشه (با ۳۶۱ حدیث که ۷۷ حدیث آن در معرفة الصحابه است) و ام سلمه (با ۵۴ حدیث) رتبه‌های اول تا دوم را دارند.

این کتاب شامل: مقدمه کتاب، ۵۳ کتاب حدیثی^(۳) و خاتمة الكتاب است. ۵۳ کتاب حدیثی، خود شامل ۳۶۴۷ باب و ۱۱۴ فصل است. حاکم معمولاً در اول هر کتاب حدیثی به زمان شروع آن و در آخر هر کتاب حدیثی به پایان آن کتاب اشاره می‌کند (نک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۲۷۰/۱). حاکم نیشابوری در بعضی موارد، در کتاب مستدرک، به مناسبت اشعاری را آورده است. مثلاً بعد از حدیث ۴۲۶۸ اشعاری در آن رابطه آمده است (ر.ک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۵۰۹/۳ و ۵۱۰).

۳. انگیزه تألیف

در مقدمه کتاب، مؤلف بعد از حمد و ثنای خداوند، درباره پیامبر و امت او و ویژگیهای این امت در مقایسه با سایر امتهای سخن می‌گوید و سپس به وضعیت جامعه اشاره می‌کند، مخصوصاً به این موضوع که به احادیث خارج از صحیحین اهمیت داده نمی‌شود. در ادامه می‌گوید که جماعتی از بزرگان اهل علم در شهر از او خواستند، تا کتابی بنویسد و در آن احادیث صحیحی را با شرط بخاری و مسلم جمع کند. سرانجام در پایان مقدمه ذکر می‌کند که در این کتاب احادیثی آمده که به کمک خدا بر شرط شیخین و یا بر شرط یکی از آن دو است و نیز احادیثی را که در نظر او صحیح بوده، به آن اضافه کرده است. به این ترتیب انگیزه او جمع‌آوری روایات صحیحی بوده که بخاری و مسلم از آنها غافل بوده‌اند که به درخواست مردم به این کار دست زده است. بنابراین چهار دسته از روایات در کتاب حاکم



جمع شده است که عبارتند از: روایات مطابق با شرط بخاری و مسلم که آن دو در کتابهایشان نیاورده‌اند؛ روایات مطابق با شرط بخاری که او در کتابش نیاورده است؛ روایات مطابق با شرط مسلم که او در کتابش نیاورده است؛ روایات مطابق با نظر حاکم.

۴. منابع کتاب

در اخراج مستدرک به کتابهایی اعتماد شده است که عبارتند از: مسند احمد بن حنبل، مسند حارث بن ابی اسامه، مسند اسماعیل بن اسحاق قاضی، مسند عثمان بن سعید دارمی، مسند مسدد، الموطأ عبدالله بن وهب، مسند حمیدی، مسند شافعی، مصنف عبدالرزاق و صحیح ابن خزیمه (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۰۳/۱ - ۱۱۱). همچنین در کتاب معرفة الصحابه هفت سند وجود دارد که به افرادی می‌رسد که صاحب مصنفات هستند. این افراد عبارتند از: مصعب بن عبدالله زبیری، محمد بن اسحاق صاحب سیره، خلیفه بن خیاط صاحب الطبقات، زبیر بن بکار، عروة، واقدی و محمد بن عبدالله بن نمیر (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۱۴/۱ و ۱۱۵). بنابراین کتابهای این افراد را نیز می‌توان در زمره منابع مستدرک به حساب آورد.

۵. نقاط قوت و ضعف کتاب

- این کتاب از نقاط قوت بسیاری برخوردار است که از جمله آنها از این قرارند:
- نوآوری در ارائه دسته‌بندی موضوعی جدید.
 - در اولویت قرار دادن ترتیب کتابهای صحیح بخاری نسبت به صحیح مسلم؛ در ترتیب کتابها ابتدا ترتیب صحیح بخاری مد نظر قرار گرفته و در مرتبه دوم به ترتیب کتابهای صحیح مسلم توجه شده است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۰۰/۱).
 - جامع کتابهای فقهی و غیر فقهی بودن.
 - تقسیم‌بندی روایات ذکر شده در کتاب به چهار دسته توسط خود مؤلف در مقدمه.
 - جمع‌آوری روایات کتاب به طریقه سماع.
 - ذکر شرط حدیث و بیان شواهدی برای صحت احادیث.
 - بیان احتجاج علما نسبت به حدیث (نک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۸۶/۱ و ۵۲۶).
 - بیان توضیحات اضافی درباره روایات ذیل عنوان «قال الحاکم».
 - بیان توضیحاتی درباره برخی رجال احادیث (نک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۶۸/۱).

- بیان توضیحات فقه الحدیثی مانند حدیث ۴۸۰۰ (ر.ک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۴۳/۴ و ۱۴۴).
- بیان زمان و مکان دریافت حدیث؛ بیان زمان دریافت حدیث مانند حدیث ۴۷۹۱ (ر.ک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۴۰/۴) و بیان مکان دریافت حدیث مانند حدیث ۲۱۴۵ (ر.ک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۲۸۳/۲).
- این کتاب از نقاط ضعفی نیز برخوردار است که عبارتند از:
- کافی نبودن توضیحات حاکم در مقدمه کتاب در خصوص ملاکهای او در انتخاب روایات.
- آمیخته شدن کتابهای فقهی و غیر فقهی با همدیگر.
- تکرار نام کتابها؛ تکرار کتاب در آن صورت گرفته مثلاً «کتاب الاحکام» که جای دیگر با نام «کتاب الحدود»، یا «کتاب الطب» که جای دیگر با عنوان «تمة کتاب الطب» و یا «کتاب الأیمان و الذور» که در ادامه با عنوان «کتاب الذور» تکرار شده است.
- عدم تبعیت کامل از عناوین کتابهای صحیحین؛ کتاب معرفة الصحابة که تقریباً یک چهارم مستدرک را تشکیل می دهد در صحیح بخاری و صحیح مسلم وجود ندارد و کتاب فضائل که در صحیح بخاری و صحیح مسلم موجود است، در المستدرک ضمن کتاب معرفة الصحابة آمده است. در این کتاب دو دسته روایات وجود دارد: ۱. روایاتی که از قول پیامبر ﷺ در فضیلت صحابی روایت شده است ۲. روایاتی که از دیگر امور صحابی خبر می دهد و از قول دیگر صحابه روایت شده است. همچنین کتابهای السلم، الشفعة، الاجارة، الحوالات، والاستقراض و اداء الديون که در صحیح بخاری پس از کتاب البيوع آمده است، در المستدرک وجود ندارد.
- عدم تفکیک کامل فضایل صحابه و آمیخته شدن فضایل صحابه و سرزمینها در کتاب معرفة الصحابه (نک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۶۴/۳ - ۷۴۵؛ ج ۴/۳ - ۹۸).
- ذکر روایات موقوف (نک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۲۴۱/۲ - ۲۴۷)
- رهاسدن برخی روایات بدون هیچ گونه توضیحی یا عدم ارائه توضیحات کافی در خصوص برخی روایات مانند حدیث ۸۳۰۶ (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۵۸۵/۵).
- عدم توجه به الفاظ برخی احادیث نزد شیخین؛ مثلاً می گوید: «... عن انس بن مالک رضی الله عنه: ان رسول الله امر بلالاً ان يشفع الاذان و يوتر الاقامة» و آن را بر شرط هردوی آنها می داند (ر.ک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳۱۳/۱)، در صورتی که لفظ حدیث نزد آنها متفاوت است، نزد



بخاری: «امر بلال ان یشفع الاذان، و أن یوتر الاقامة» و نزد مسلم: «امر بلال ان یشفع الاذان و یوتر الاقامة الا الاقامة» است (سیوطی، ۱۴۲۳: ۹۷/۱).

- اشتباه در ذکر برخی شواهد؛ مثلاً می‌گوید: «یا رسول الله لقد خشیت ان اکون قد هلکت...» و آن را از ثابت بن قیس نقل می‌کند و می‌گوید که بر شرط شیخین است و در این سیاق نیاورده‌اند، در صورتی که مشابه چنین حدیثی در هیچ کدام وجود ندارد و فقط در صحیح مسلم از ثابت از انس حدیثی وجود دارد که می‌گوید: «لما نزلت: «لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی» جاء ثابت بن قیس...» و این دو حدیث هیچ مشابهتی باهم ندارند، جز اینکه در لفظ «انه من اهل الجنة» مشابه می‌باشند و این ربطی به مشابهت در سیاق ندارد (سیوطی، ۱۴۲۳: ۷۶/۱).

- ذکر روایاتی که تمامی رجالش از نظر او ثقه نیستند؛ مثلاً در جایی حدیثی آمده است که می‌گوید: کلیه روایتش ثقه است، جز یک راوی که درباره او اطلاعی ندارد (سیوطی، ۱۴۲۳: ۵۸۵/۵).

- ذکر احادیثی با عنوان صحیح الاسناد؛ یعنی آنها را بر شرط خود بیان کرده است. بهتر بود این احادیث در کتاب مستقل دیگری قرار می‌گرفت.

۶. اظهار نظر علما درباره کتاب

بعد از تألیف این کتاب عده‌ای از علما به اظهار نظر درباره آن پرداخته‌اند که با یک دسته‌بندی از این قرارند:

۱. تساهل حاکم در احراز شرط صحت حدیث: چه بسا احادیثی بر شرط شیخین در آن آمده باشد و چه بسا احادیثی بر غیر شرط آنها وارد شده باشد. حاجی خلیفه، ابن حجر، عراقی و سیوطی حاکم را به تساهل در احراز شرط صحت حدیث منسوب کرده‌اند (حاجی خلیفه، بی‌تا، ۱۶۷۲/۲؛ سیوطی، ۱۴۲۳: ۴۹/۱ - ۶۳). ابن حجر در توجیه تساهل حاکم می‌گوید: او قبل از تنظیم نهایی کتابش وفات نمود (سیوطی، ۱۴۲۳: ۵۰/۱ - ۶۳). این گروه تنها به تساهل حاکم اشاره کرده و به انواع روایات ذکر شده در مستدرک نپرداخته‌اند.

۲. عدم ذکر حدیثی بر شرط شیخین: ابوسعید مالینی بر این نظر است (سیوطی، ۱۴۲۳: ۵۰/۱). عبدالله بن زیدان نیز بر این باور است، اما برخلاف مالینی، وجود تنها سه حدیث بر شرط شیخین را پذیرفته است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۹/۶). این گروه تمامی روایات را بر غیر شرط شیخین می‌دانند، اما به انواع روایات ذکر شده در مستدرک نپرداخته‌اند.

۳. ذکر احادیث صحیح، حسن و ضعیف: ابن صلاح، بدر بن جماعه و ذهبی بر این نظرند (ر.ک:

ابن صلاح، ۱۴۲۳: ۸۸ - ۹۰؛ سیوطی، ۱۴۲۳: ۵۰/۱). البته برخی وجود احادیث منکر یا جعلی را نیز بیان داشته‌اند. ذهبی کتاب حاکم را تلخیص کرده و ذیل روایات به نقد و بررسی آنها پرداخته و در ضمن ۱۰۰ حدیث از احادیث مستدرک را در کتابی مستقل، با عنوان حدیث جعلی تدوین نموده است (سیوطی، ۱۴۲۳: ۵۰/۱؛ ذهبی، بی تا، ۱۰۳۹/۳ - ۱۰۴۳). ابن جوزی نیز در کتاب الموضوعات ۶۰ حدیث از احادیث کتاب مستدرک را به عنوان حدیث جعلی به شمار آورده است (معارف، ۱۳۸۳: ۱۲۳، به نقل از الحدیث و المحدثون/۴۰۸). این گروه برخلاف دو گروه قبل، انواع روایات ذکر شده در مستدرک را بیان داشته و بر وجود روایات ضعیف در آن تصریح کرده‌اند.

بهترین اظهار نظر درباره کتاب حاکم این است که در این کتاب احادیث صحیح، حسن و ضعیف وجود دارد که با بررسی احادیث می‌توانیم به آنها پی ببریم، اما اظهار نظرهای غیر منطقی که تمامی احادیث را زیر سؤال برده‌اند، قابل پذیرش نیستند؛ زیرا حداقل برخی از احادیث کتاب حاکم با احادیث کتابهای مسلم و بخاری مشترک لفظی یا معنوی هستند و تنها تفاوت‌های جزئی در آنها وجود دارد. بنابراین نظرهای ابن صلاح، بدر بن جماعه و ذهبی در گروه سوم منصفانه‌تر است. با پذیرش نظر سوم، کتاب حاکم این قابلیت را پیدا خواهد کرد، تا احادیث صحیح آن شناسایی شوند و مورد عمل قرار گیرند.

ج. روش حاکم نیشابوری در ذکر روایات

۱. دسته‌بندی موضوعی روایات

نکته قابل توجه در خصوص کار حاکم این است که به نوآوری در دسته‌بندی موضوعی روایات می‌پردازد. مثل ذکر کتاب معرفة الصحابه که در صحیح بخاری و صحیح مسلم وجود ندارد، هرچند بهتر بود تا عنوان کتابها کاملاً مطابق باشد، ولی به دلیل تفاوت‌های موجود بین صحیح بخاری و صحیح مسلم و در جهت جمع بین آنها، به ارائه کتاب جدید می‌پردازد که از این نظر کار او کاملاً قابل توجیه است. او کتابهای مربوط به فضایل را ذیل کتاب معرفة الصحابه جمع کرده است. در کتاب معرفة الصحابه به ترتیب به فضایل خلفای راشدین، فاطمه عليها السلام، حسن عليه السلام، حسین عليه السلام، خدیجه عليها السلام و دیگر صحابه پرداخته شده است و بعد ذکر فضایل زنان صحابه آمده است که در رأس آنان زنان پیامبر و در رأس زنان پیامبر، عایشه قرار گرفته است. سپس این کتاب با فضایل مهاجران، انصار و تابعان و بقیه قبایل عرب به پایان می‌رسد. در کتاب معرفة الصحابه امور شخصی صحابه نیز روایت شده است از



جمله بابیهایی با عنوان: ملبوسات ابن عباس، ذکر اولاد ابن عباس و... وجود دارد. او روایات را ذیل کتابها، فصول و ابواب دسته‌بندی می‌کند. بعضی عنوان بابها، متن حدیث اول باب است، مثل باب ۳۹ در کتاب الایمان که نامش «الطیر تجری بقدر» بوده و حدیث اول این باب یعنی حدیث ۹۶ با همان متن موجود است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱/۱۹۰ و ۱۹۱)، یا در جای دیگر عنوان شماره ۵۷ و متن حدیث ۱۳۶ در کتاب الایمان مشترک لفظی هستند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱/۲۰۷ و ۲۰۸). گاهی بخشی از حدیث اول باب، عنوان باب است مثل حدیث ۹۷ در باب ۴۰ کتاب الایمان که عنوان باب، بخش اول حدیث ۹۷ است؛ یعنی «لا یؤمن العبد حتی یؤمن باریع» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۹۱/۱). به این ترتیب او تا حد توان، به تبویب روایات پرداخته است. از این رو مراجعه به احادیث مختلف در این کتاب به راحتی انجام می‌گیرد.

۲. توجه به شروط بخاری و مسلم در انتخاب روایات

از بررسی کتاب به دست می‌آید که این کتاب شامل چهار دسته احادیث است: ۱. احادیث بر شرط مسلم که معمولاً از آنها با عنوان «هذا حدیث صحیح علی شرط مسلم و لم یخرجاه» یاد می‌کند. ۲. احادیث بر شرط بخاری که معمولاً از آنها با عنوان «هذا حدیث صحیح علی شرط البخاری و لم یخرجاه» یاد می‌کند. ۳. احادیث بر شرط شیخین که معمولاً از آنها با عنوان «هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین و لم یخرجاه» یاد می‌کند. ۴. احادیث بر شرط حاکم که معمولاً از آنها با عنوان «هذا حدیث صحیح الاسناد و لم یخرجاه» یاد می‌کند. خود مؤلف نیز در مقدمه به این تقسیم‌بندی اشاره کرده است.

منظور حاکم از شرط شیخین یا شرط یکی از آن دو؛ یعنی همانند روایان آنها یا یکی از آن دو، البته مراد این نیست که عیناً همان روایان باشند، بلکه منظور این است که از نظر اعتبار همانند آن روایان باشند (سیوطی، ۱۴۲۳: ۱/۶۲ و ۶۳؛ عطیه، ۱۴۲۸: ۱۹؛ سلفی، ۱۴۱۸: ۲۳ و ۲۴). در جایی حدیثی از نظر متنی تکرار شده است با روایانی که خود حاکم نیز اشاره دارد که بخاری و مسلم به آن راوی احتجاج نکرده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱/۲۰۹)، اما آن را بر شرط آن دو می‌دانند. بنابراین به نظر می‌رسد مراد او این است که روایان ذکر شده در مستدرک از نظر اعتبار همانند روایان صحیحین هستند. البته این مسئله به معنی عدم ذکر روایان شیخین نیست، بلکه از بسیاری از روایان آنها به نقل حدیث پرداخته است. بنابراین در انتخاب روایات این کتاب، به شروط بخاری و مسلم در انتخاب روایات توجه داشته است.

ابن حجر عسقلانی در تقسیم احادیث مستدرک آنها را به سه دسته طبقه‌بندی می‌کند: ۱. احادیثی که در آنها به شرط مسلم یا بخاری و یا هر دو احتجاج شده است ۲. احادیثی که به‌عنوان شواهد، متابعات و تعالیق اخراج شده‌اند ۳. احادیثی که نه به آنها احتجاج شده است و نه به‌عنوان شاهد بیان شده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۸۶/۱ - ۸۸، به نقل از النکت، ج ۳/۱۴۱؛ سلفی، ۱۴۱۸: ۲۱ - ۲۳). حاکم گاه در ذکر شرط حدیث، از عبارات مشابهی استفاده می‌کند، مثلاً در حدیث ۱۸ به جای ذکر «هذا حدیث صحیح علی شرط مسلم و لم یخرجاه»، عبارت «قد احتج مسلم بصلاح بن ابی صالح السمان» به کار رفته است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۵۵/۱).

۳. ارائه شواهدی برای اثبات صحت روایات

برای صحت حدیث طرق و شواهدی از احادیث ذکر شده است، مثلاً حدیثی که بر شرط مسلم است با حدیث دیگری به عنوان شاهد تأیید شده است. در بعضی موارد فقط شواهدی در ذکر حدیث آمده است و شرط ذکر آن بیان نمی‌شود. به عنوان مثال، در حدیث ۴۰ می‌گوید: «وانما استشهدت بعبدالرحمن بن ابی الزناد اقتداء بهما، فقد استشهدا جميعاً به» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۶۵/۱). گاه برای اثبات صحت، حدیث بعدی شاهد حدیث قبلی می‌شود و در این صورت در پایان حدیث بعدی توضیحی نمی‌آید، مثلاً قبل از حدیث ۵۳ می‌گوید: «وقد تابع یونس بن عبید سلیمان بن المغیره علی روایتہ عن حمید علی شرط مسلم» و بعد حدیث ۵۳ را ذکر می‌کند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۷۱/۱) و یا حدیث ۱۶۳ که شاهد حدیث ۱۶۲ است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۲۱۸ و ۲۱۹). گاه که دو حدیث از یک راوی (غیر از صحابی) نقل می‌شود و در یکی از آنها شرط ذکر می‌شود، در دومی از تکرار پرهیز شده است و به جای توضیح تکراری، دومی به اولی ارجاع داده می‌شود و مثلاً می‌گوید: هذا الحدیث مثل الاول فی الاستقامة (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۷۴/۱).

۴. توجه به سماع حدیث

معمولاً مقداری از ابتدای رجال حدیث به صورت حدثنا (با تخفیف ثنا) و تعدادی از رجال انتهای سند به صورت معنعن ذکر شده است. به عنوان مثال در حدیث ۱۴۹۸ می‌گوید: «اخبرنی عبدالرحمن بن الحسن القاضی بهمدان، ثنا عمیر بن مرداس، ثنا عبدالله بن نافع الصائغ، حدثنی اسحاق بن یحیی بن طلحه بن عبیدالله، عن عمه موسی بن طلحه عن معاذ بن جبل» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۲۰/۲). در ابتدای احادیث معمولاً «حدثنا» و «اخبرنا» وجود دارد که نشان‌دهنده توجه حاکم به سماع حدیث



است.

گاهی زمان دریافت حدیث نیز نوشته شده است، مانند حدیث ۴۷۹۱ در کتاب معرفة الصحابه که در ابتدای رجال حدیث می‌گوید: «حدثنا الحاكم الفاضل ابو عبدالله محمد بن عبدالله إملاء غرة ذي القعدة سنة اثنتي و اربعمائة» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱/۴). گاهی شهر دریافت حدیث نیز ذکر می‌شود، مانند حدیث ۲۱۴۵ که می‌گوید: «اخبرنا ابو العباس محمد بن احمد المحجوبی بمرو،...» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۲/۲۸۳).

۵. توجه به طرق گوناگون روایات

بعضی از احادیث با سندهای متفاوت تکرار شده است، به عنوان مثال احادیث ۱ و ۲ در کتاب الایمان متن یکسانی دارند و هر دو به ابوهریره ختم می‌شوند، ولی بقیه راویان در سلسله سند باهم تفاوت دارند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱/۱۴۷). گاه برای یک حدیث چند سند می‌آید و هر یک از آنها در شمار یک حدیث محسوب می‌شود. به عنوان مثال بنگرید به احادیث ۴۵، ۴۶ و ۴۷ در کتاب الایمان (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱/۱۶۸). گاه حدیثی بیان شده است و در حدیث بعد سند دیگری بر آن حدیث می‌آید، ولی متن حدیث تکرار نمی‌شود (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱/۲۰۷). اینها نشان می‌دهد که حاکم به اسناد و طرق گوناگون روایات توجه داشته است.

۶. توجه به نقل به معنا در روایات

گاه در بعضی احادیث اشاره می‌شود که با چنین لفظی حدیث را نیآورده‌اند، مانند حدیث ۱۶ (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱/۱۵۴). گاه احادیث با متن متفاوت تکرار می‌شوند که در معنا مشترک هستند. به عنوان مثال بنگرید به احادیث بابهای «تفترق امتی علی ثلاث و سبعین فرقة» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱/۱۵۱ و ۱۵۲) و «لیس المؤمن بالطعان و لا اللعان و لا الفاحش و لا البذی» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱/۱۶۱ - ۱۶۴) در کتاب الایمان. بنابراین پی می‌بریم که حاکم به نقل به معنا در روایات توجه داشته است. در موارد احادیث تکراری و یا مشابه معنایی و لفظی، بعد از ذکر آخرین حدیث یا یکی از آنها، شرط بیان می‌شود.

۷. توجه به تقطیع در روایات

در بعضی جاها حدیثی از بخاری و مسلم با اضافات آمده و گفته شده که او بر طرف حدیث اتفاق کرده است، ولی در آخر بیان می‌شود که ادامه حدیث نیز بنا بر شرط او است. گاهی حدیثی با کمی

تفاوت نسبت به روایات بخاری و مسلم یا یکی از آن دو آمده است و بیان می‌شود که آنها به چه شکلی آن را روایت کرده‌اند و در آخر ذکر می‌شود که بر شرط آنها و یا صحیح است. به عنوان مثال در حدیث ۲۲ که در «صفة المسلم والمؤمن» است، می‌گوید: قد اتفقا علی اخراج طرف الحدیث «المسلم من سلم المسلمون من لسانه و یده». و لم یخرجاه هذه الزیادة یعنی: و المؤمن من آمنه الناس علی دمائهم و أموالهم] و هی صحیحة علی شرط مسلم... (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۵۷/۱ و ۱۵۸) و یا در حدیث ۲۳ می‌گوید: و زیادة اخرى صحیحة علی شرطهما و لم یخرجاها (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۵۸/۱). گاه حدیثی می‌آید و می‌گوید که بخاری و مسلم آن را مختصر آورده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۸۶/۱). بنابراین حاکم به مسئله تقطیع در روایات توجه داشته و در صدد رفع تقطیعیهای صورت گرفته در صحیحین نیز برآمده است.

۸. ذکر احادیث به صورت مسند

تقریباً تمامی احادیث به صورت مسند آمده است. بنابراین او به ذکر احادیث به صورت مسند اهتمام داشته است. اما بعضی از احادیث تنها به صحابه ختم می‌شوند و موقوف هستند و به پیامبر ﷺ نمی‌رسند که این روایات بیشتر در کتابهای التفسیر و معرفة الصحابه هستند. کتاب تفسیر، شامل تفسیر تمامی سوره‌ها از سوره حمد تا ناس به طور مجزا است. در این کتاب، دو نوع روایت وجود دارد: روایاتی که به نقل از خود صحابی آمده است و روایاتی که به پیامبر ﷺ ختم می‌شوند. برای نمونه در روایتی می‌گوید: «حدثني ابوبکر محمد بن عبد الحميد ثنا محمد بن زكريا ثنا ابن عائشة حدثني ابي عن عمه عن ربيعة بن ابي عبد الرحمن عن سعيد بن المسيب» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۶۶/۳). لازم به ذکر است که حاکم نیشابوری روایتی را که در آن صحابه به تفسیر آیات قرآن پردازد، موقوف می‌داند، مگر اینکه روایت درباره سبب نزول آیات قرآن باشد که در این صورت آن را مسند برمی‌شمارد (ر.ک: حاکم نیشابوری، ۱۳۹۷: ۲۰). در کتاب مستدرک، معمولاً به هشت یا نه واسطه حدیث به رسول اکرم ﷺ می‌رسد.

۹. شرح و توضیح اسناد و متن روایات

در احادیث بعد از ذکر شرط آن، توضیحات اضافه به صورت «قال الحاکم» آمده است. گاه در بعضی مواقع در مورد چند حدیث باهم نظر داده می‌شود مثلاً در مورد احادیث ۱۲۲، ۱۲۳ و ۱۲۴ بعد از ذکر آخرین حدیث می‌گوید: «هذه الاسانيد التي ذكرتها كلها صحیحة علی شرط الشیخین» (حاکم



نیشابوری، ۱۴۱۸: ۲۰۳/۱). در بعضی موارد به توضیحات فقه الحدیثی نیز پرداخته می‌شود، مثلاً بعد از ذکر حدیث ۴۸۰۰ می‌گوید: «... فان قوله «حسبک من نساء العالمین» یسوی بین نساء الدنیا» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۴۳/۴ و ۱۴۴). بنابراین او در حد امکان به شرح و توضیح اسناد و متن روایات می‌پردازد.

۱۰. توجه به روایان ثقه و مورد اعتماد

حاکم نیشابوری در کتاب خود به ذکر حدیث از روایان ثقه و مورد اعتماد اهتمام جدی داشته است. گاه ذکر می‌شود که اصحاب حدیث در روایات فلان راوی، اتفاق کرده‌اند، مثلاً در حدیث ۲۶ می‌گوید: «قد خرجا جميعاً حدیث الشعبی عن عبدالله بن عمرو مختصراً، و لم یخرجا هذا الحدیث و...» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۵۹/۱). گاهی گفته می‌شود که بخاری و مسلم به روایان حدیث احتجاج کرده‌اند مانند حدیث ۸۹ (ر.ک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۸۶/۱). در بعضی موارد بعد از ذکر شرط حدیث، اشاره می‌شود که مثلاً علمای فلان شهر نسبت به او احتجاج کرده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۵۲۶/۱). گاه در پایان حدیث به ثقه بودن راوی اشاره می‌شود. مثل حدیث شماره ۴۷ که می‌گوید: و عیسی هذا هو ابن عاصم الأسدی کوفی ثقه (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۶۸/۱).

۱۱. شرح و توضیح رجال برخی احادیث

گاه به توضیح درباره روایان و رجال حدیث پرداخته می‌شود. مثل حدیث ۶۹ (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۷۷/۱ و ۱۷۸). گاه برای توضیح در شخصیت یک راوی به بخش دیگری از کتاب که در آنجا توضیحات لازم داده شده، ارجاع می‌شود (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱۷۸/۱). در بعضی موارد برای احادیث مشترک متنی، نسبت به یکی از آنها شرط ذکر می‌شود و بقیه به استناد شرط اول رها شده است و یا فقط در مورد روایانشان توضیح می‌آید. مثل باب: من لعب بالنرد فقد عصى الله و رسوله در کتاب الایمان (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۲۲۰/۱). حاکم در مجموع در رابطه با ۶۲۵ راوی به جرح و تعدیل پرداخته است (داینی، ۲۰۰۶: ۲۳).

۱۲. ذکر منابع روایات

گاه اشاره می‌شود که حدیث در چه کتابی موجود است مانند حدیث ۴۷۹۹ در کتاب معرفة الصحابه که بعد از ذکر حدیث می‌گوید: «هذا الحدیث فی المسند لابی عبدالله احمد بن حنبل هکذا» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۴۳/۴). این موارد در این کتاب اندک است. ولی همین موارد اندک

می تواند مخاطب را به کتاب اصلی حدیث رهنمون شود. البته باید در نظر داشت که گاه ذکر منبع روایت در جایی است که توضیح دیگری در رابطه با آن روایت نمی دهد.

۱۳. اجتهاد در انتساب برخی روایات به صحت

در بعضی موارد حدیث صحیح الاسناد دانسته شده است و احتجاج بیان می شود، مثلاً در حدیث ۴ می گوید: «... واتفقا جميعاً على الاحتجاج بحديث الليث بن سعد عن عياش بن عباس القتباني. وهذا إسناده مصري صحيح ولا يحفظ له» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱/۱۴۸). گاهی احادیث مد نظر حاکم با عنوان «حدیث صحیح» ذکر شده است مثلاً در حدیث ۸ می گوید: «هذا حديث صحيح لم يخرج في الصحيحين وقد احتجا جميعاً بحديث أبي اسحاق عن الأغر عن أبي هريرة و أبي سعيد، وقد اتفقا جميعاً على الحجج بأحاديث إسرائيل بن يونس عن أبي اسحاق» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱/۱۵۰) و یا در حدیث ۲۰ می گوید: «هذا حديث صحيح لانعرف له علة بوجه من الوجوه...» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱/۱۵۶). در جایی حدیثی از نظر متنی تکرار شده است، با روایانی که خود حاکم نیز اشاره دارد که بخاری و مسلم به آن راوی احتجاج نکرده اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱/۲۰۹).

در مجموع در کتاب مستدرک احادیثی آمده که از اسناد صحیح برخوردار نیستند و در بسیاری موارد به صحت آنها حکم می کند، در حالی که شخص ضعیفی در سند آنها وجود دارد و حتی برخی توسط خود او تضعیف شده اند، هر چند که در برخی موارد ذهبی نیز با او موافقت کرده است (ر.ک: سلفی، ۱۴۱۸: ۲۵ - ۲۷. برخی از روایان کتاب تضعیف شده و برخی مجهول هستند نک: وادعی، ۱۴۲۵: ۲).

بنابراین به اجتهاد حاکم در انتساب برخی روایات به صحت پی می بریم. او مجموعه کاملی از روایات فضیلت علی علیه السلام و اهل بیت او را آورده و به صحت آنها تصریح کرده است. بنابراین در ارزیابی مستدرک باید این احادیث جدای از دیگر احادیث مورد بررسی قرار گیرند؛ زیرا او آنها را بر شرط شیخین ندانسته و تنها به صحت آنها حکم کرده است. بررسی روایات صحیح الاسناد در مستدرک، می تواند ملاکهای حاکم را در انتخاب روایت صحیح نشان دهد.

د. ارزیابی روش حاکم در ذکر روایات

حاکم از روش بسیار خوب و دقیقی در ذکر روایات مستدرک بهره برده است. اما از آنجا که التزام او به این روش، در همه جا یکسان نبوده، مخاطبان را در خصوص برخی احادیث مستدرک با مشکلاتی



مواجه کرده است. در انتهای بعضی احادیث هیچ نظری نسبت به آن احادیث وجود ندارد و شروط و شواهد بیان نمی‌شود، مانند حدیث ۸۳۰۶ (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۵/۵۸۵). در بعضی موارد فقط شاهدهی در ذکر حدیث آمده است و شرط ذکر آن بیان نمی‌شود. به عنوان مثال، در حدیث ۴۰ می‌گوید: «و انما استشهدت بعبد الرحمن بن ابی الزناد اقتداء بهما، فقد استشهدا جمیعاً به» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸: ۱/۱۶۵). بنابراین باید این‌گونه روایات را از سایر روایات مستدرک جدا نموده و مورد بررسی قرار داد، تا صحت و ضعف آنها مشخص شود. البته در خصوص این‌گونه روایات نمی‌توان بر حاکم خرده گرفت؛ چون او به صحت آنها حکم نکرده است. بنابراین ارزیابی روایات مستدرک باید در خصوص روایاتی باشد که او آنها را بر شرط بخاری، مسلم و یا هردو دانسته است. البته باید در نظر داشت، در برخی موارد با وجود اینکه راویان حدیث از راویان شیخین بوده، اما فقط به صحت حکم کرده است که به نظر می‌رسد از روی سهو و فراموشی باشد (شمالی، ۱۴۲۱: ۷۹). بنابراین در ارزیابی روایات مستدرک، باید این‌گونه روایات نیز که از روی فراموشی شرطشان بیان نشده، مورد بررسی قرار گیرند که ذهبی در تلخیص خود به آنها اشاره کرده است.

ذهبی به ارزیابی کار حاکم پرداخته، اما در مقدمه تلخیص روش خود را بیان نکرده است. او تنها یک سوم کتاب حاکم را آورده است. بررسی کار او نشان می‌دهد که او از مجموع روایات مستدرک، تنها در رابطه با ۱۲۲۴ حدیث اظهار نظر کرده، که برخی را تصحیح و برخی را تضعیف نموده است. او در رابطه با اسناد و متن روایات نظر می‌دهد. او در بررسی روایات، بیشتر در مواردی که حاکم حدیث را صحیح الاسناد دانسته، با او مخالف است و در بیشتر موارد، احادیثی را که حاکم آنها را بر شروط شیخین و یا یکی از آن دو ذکر کرده، پذیرفته است. هرچند در این‌گونه احادیث نیز گاه با او مخالفت می‌ورزد. البته نسبت به کار ذهبی نیز نقدهایی وارد شده است. بنابراین گفته‌اند که کار او تنها تلخیص بوده است؛ زیرا در مواردی که صحت احادیثی که حاکم آورده، حکم می‌کند، در حالی که خود او در دیگر آثارش راویان آن احادیث را تضعیف نموده است (ر.ک: داینی، ۲۰۰۶: ۴۴ - ۲۱۹). البته بررسی کار ذهبی دقت بیشتر او را نسبت به حاکم نشان می‌دهد. بنابراین با وجود آنکه کاستیهایی در روش حاکم مشاهده می‌شود، اما الگوبرداری از روش او می‌تواند مفید باشد؛ زیرا جوانب مختلف احادیث را مورد بررسی قرار داده است.

با وجود تلاش محدثان در انتخاب روایات صحیح، ولی همواره مواردی از روایات ضعیف نیز به آثار آنها راه پیدا می‌کند، بنابراین نباید تنها با دیدن آن چند روایت ضعیف، کل اثر را مورد اتهام قرار

دهیم. ارزیابی منطقی این است که حاکم در حد توان خود روایات صحیح بسیاری را جمع کرده است. اما احادیث ضعیف و حسن نیز به کتاب او راه یافته است.

نتیجه

۱. اظهار نظرها پیرامون کتاب حاکم را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: (۱) تساهل حاکم در احراز شرط صحت حدیث: چه بسا احادیثی بر شرط شیخین در آن آمده باشد و چه بسا احادیثی بر غیر شرط آنها وارد شده باشد. (۲) عدم ذکر حدیثی بر شرط شیخین. (۳) ذکر احادیث صحیح، حسن و ضعیف. بنابراین بهترین اظهار نظر درباره کتاب حاکم این است که در این کتاب احادیث صحیح، حسن و ضعیف وجود دارد که با بررسی احادیث می‌توانیم به آنها پی ببریم. از این رو، نظر سوم منصفانه‌تر و به حقیقت نزدیک‌تر است.

۲. اظهار نظرهای غیر منطقی در رابطه با کتاب حاکم، قابل پذیرش نیست؛ زیرا برخی از احادیث کتاب، با احادیث کتابهای مسلم و بخاری مشترک لفظی یا معنوی هستند و تنها تفاوت‌های اندک وجود دارد، بلکه بیشتر تفاوتها در سند روایات است، نه در متن آنها.

۳. روش حاکم نیشابوری در ذکر روایات از این قرار است: دسته‌بندی موضوعی روایات؛ توجه به شروط بخاری و مسلم در انتخاب روایات؛ ارائه شواهدی برای اثبات صحت روایات؛ توجه به سماع حدیث؛ توجه به طرق گوناگون روایات؛ توجه به نقل به معنا در روایات؛ توجه به تقطیع در روایات؛ ذکر احادیث به صورت مسند؛ شرح و توضیح اسناد و متن روایات؛ توجه به راویان ثقه و مورد اعتماد؛ شرح و توضیح رجال برخی احادیث؛ ذکر منابع روایات؛ اجتهاد در انتساب برخی روایات به صحت.

۴. حاکم از روش بسیار خوب و دقیقی در ذکر روایات مستدرک بهره برده است. اما از آنجا که التزام او به این روش، در همه جا یکسان نبوده است و در برخی موارد، روایات بدون هیچ توضیحی یا با توضیح ناکافی آمده‌اند، مخاطبان را در خصوص برخی احادیث مستدرک با مشکلاتی مواجه کرده است. بنابراین با وجود آنکه کاستیهایی در روش حاکم مشاهده می‌شود، اما الگوبرداری از روش او می‌تواند مفید باشد؛ زیرا جوانب مختلف احادیث را مورد بررسی قرار داده است. برای الگوبرداری بهتر است تنها احادیثی مد نظر قرار گیرند که ذیل آنها، اظهار نظری از حاکم موجود است.

۵. ذهبی به ارزیابی کار حاکم پرداخته، اما در مقدمه تلخیص، روش خود را بیان نکرده است. او تنها در رابطه با ۱۲۲۴ حدیث اظهار نظر کرده که برخی را تصحیح و برخی را تضعیف نموده است. او



بیشتر در مواردی که حاکم حدیث را صحیح الاسناد دانسته، با او مخالف است. نسبت به کار ذهبی نیز نقدهایی وارد شده است؛ زیرا در مواردی به صحت احادیثی که حاکم آورده، حکم می‌کند، در حالی که خود او در دیگر آثارش راویان آن احادیث را تضعیف نموده است. اما بررسی کار ذهبی دقت بیشتر او را نسبت به حاکم نشان می‌دهد.

پی‌نوشت:

- (۱) برخی گفته‌اند که در ۱۳ سالگی سفر خود را آغاز کرد (ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۷، ص ۱۶۳). گفته شده که در مجموع از ۲۰۰۰ شیخ سماع کرد (ابن قاضی شهبه، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۳؛ ابن خلکان، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۸۱).
- (۲) برخی گفته‌اند که حاکم قضاوت شهر «نسا» را برعهده گرفت و مورخان به اشتباه آن را نیشابور ثبت کرده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ص ۳۴).
- (۳) از جمله کتاب‌ها، کتاب تواریخ المتقدمین من الانبیاء والمرسلین است که علاوه بر ذکر مقدمه‌ای از احادیث در ذکر خلقت آدم و جهان، احادیثی درباره ۲۲ تن از انبیا دارد: حضرت نوح، ادریس، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، لوط، هود، صالح، شعیب، یعقوب، یوسف، موسی، هارون، ایوب، الیاس، یونس، داود، سلیمان، زکریا، یحیی، عیسی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

۱. ابن خلكان، احمد بن ابى بكر، وفيات الاعيان و انباء ابناء الزمان، تحقيق: احسان عباس، بيروت: دارالفكر؛ دارصادر، ۱۴۲۰/۲۰۰۰م.
۲. ابن قاضى شهبه دمشقى، ابى بكر بن احمد تقى الدين، طبقات الشافعية، تحقيق: عبدالعليم خان، بيروت: عالم الكتب، چاپ اول، ۱۹۸۷/۱۴۰۷م.
۳. ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمر، البداية و النهاية، بيروت: مكتبة المعارف، چاپ دوم، ۱۹۹۰/۱۴۱۱م.
۴. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، لسان الميزان، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، چاپ سوم، ۱۹۸۶/۱۴۰۶م.
۵. ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن شهرزورى، معرفة انواع علم الحديث، تحقيق: عبداللطيف هميم و ماهر ياسين فحل، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۲۰۰۲/۱۴۲۳م.
۶. حاجى خليفه، مصطفى بن عبدالله، كشف الظنون عن اسامى الكتب و الفنون، بيروت: دارالفكر؛ مكتبة الفيصلية، بى تا.
۷. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين و معه تلخيص الذهبى و...، تحقيق: ابى عبدالله عبدالسلام بن محمد بن عمر علوش، بيروت: دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۹۹۸/۱۴۱۸م.
۸. همو، المستدرک على الصحيحين و بذيله التلخيص للحافظ الذهبى، تحقيق: يوسف عبدالرحمن مرعشلى، بيروت: دارالمعرفة، ۱۹۸۶/۱۴۰۶م.
۹. همو، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۰. همو، تاريخ نيشابور، ترجمه محمد بن حسين خليفه نيشابورى، تحقيق: محمدرضا شفيعى كدكنى، تهران: نشر آگه، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۱۱. همو، معرفة علوم الحديث، تحقيق: سيد محمد لحام، بيروت: دارومكتبة الهلال، ۲۰۰۳/۱۳۸۲م.
۱۲. همو، معرفة علوم الحديث، تحقيق: سيد معظم حسين، مدينه، المكتبة العلمية، ۱۳۹۷ق.



۱۳. حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، دائرة المعارف جامع اسلامی، ج ۴، تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.
۱۴. حیدری نسب، علیرضا، حاکم نیشابوری و المستدرک علی الصحیحین، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
۱۵. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد أو مدينة السلام، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۹۹۷/۱۴۱۷م.
۱۶. دابینی، عزیز رشید محمد، تصحیح احادیث المستدرک بین الحاکم النیشابوری و الحافظ الذهبی، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۲۰۰۶م.
۱۷. ذهبی، محمد بن احمد، تذکرة الحفاظ، بیروت: دارإحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۸. همو، سیر اعلام النبلاء، تحقیق: شعیب الارنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ یازدهم، ۱۹۹۸/۱۴۱۹م.
۱۹. زرکلی، خیرالدین، الاعلام: قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ دهم، ۱۹۹۲م.
۲۰. الزقة، عبدالرحیم احمد محمد، «الحاکم النیشابوری و أثره فی الحدیث»، مجلة كلية الامام الاعظم، شماره ۴، ۱۳۹۸ق.
۲۱. سبکی، عبدالوهاب بن علی بن عبدالکافی، طبقات الشافعیة الكبرى، تحقیق: عبدالفتاح محمد حلو و محمود محمد طناحی، بی جا، بی نا، بی تا.
۲۲. سلفی، عبدالله بن مراد، تعلیقات علی ما صححه الحاکم فی المستدرک و وافقه الذهبی، ریاض: دارالفضیلة، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲۳. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، تحقیق: عبدالله عمر بارودی، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۹۹۸/۱۴۱۹م.
۲۴. سید جوادی، احمد صدر حاج؛ کامران فانی؛ و بهاءالدین خرمشاهی، دایرة المعارف تشیع، بی جا، نشر شهید سعید محبی، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش.
۲۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تدرب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق: ابو عبدالرحمن صلاح بن محمد بن عویضة، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ سوم، ۲۰۰۲/۱۴۲۳م.

۲۶. شمالي، ياسر احمد، «التصحيح على شرط الشيخين»، مجلة الشريعة والدراسات الاسلامية، شماره ۴۳، رمضان ۱۴۲۱ق.
۲۷. صفدى، خليل بن ابيك، الوافى بالوفيات، بيروت: دارالنشر فرانز شتاينر، ۱۹۹۱/۱۴۱۱م.
۲۸. عطيه، محمد بن محمود بن ابراهيم، الانتباه لما قال الحاكم و لم يخرجاه و هوفى أحدهما أو روياه، قطر، وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
۲۹. قاسمى حامد، مرتضى، «نگرشى بر كتاب المستدرک على الصحيحين با نگاهی به زندگى و آراء حاکم نیشابورى»، مجله فروغ وحدت، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۸۷ش.
۳۰. مدير شانه چى، کاظم، دراية الحديث، قم، دفتر انتشارات اسلامى، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ش.
۳۱. معارف، مجيد، جوامع حدیثی اهل سنت، تهران: سمت؛ دانشکده علوم حدیث، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۴۹. وادعى، ابو عبدالرحمن مقبل بن هادى، رجال الحاكم فى المستدرک، صنعاء: مكتبة صنعاء الأثرية، چاپ دوم، ۱۴۲۵ق





Pathological Analysis of the Hadith of “The Ten Promised Paradise” [Asharah al-Mubashsharah]^۱

Muhammad Javad Eskandarlo^۲

Abstract

The *Hadith* of “The Ten Promised Paradise” [Asharah al-Mubashsharah] has been mentioned only in the sources of Sunni narrations. The Sunnis cite this *hadith* as a clear and solid argument to prove the legitimacy of “the Ten Promised Paradise” [Asharah al-Mubashsharah] and their being free from any mistake. Therefore, research in this field is very important to discover the truth. In the present research, the author has critiqued the documental chain and the content of the *hadith* with the descriptive and analytical method and has discussed it in five main axes: proving the deficiency of the *hadith* on behalf of documentation and content [mudhtarib], quarrels and conflicts among some of “the Ten Promised Paradise” [Asharah al-Mubashsharah], the celebrity of this *hadith* among the later narrators, the lack of characteristics of being paradise (in nine of them) and the explanation of their misconduct and improper performance, and based on the above-mentioned issues, the weakness and distortion of the *hadith* document, the anxiety of its text, and finally, the falsity of the said *hadith* have been proven.

Keywords: “The Ten Promised Paradise” [Asharah al-Mubashsharah], Documental Analysis, Content Analysis, Performance Dossier of “The Ten Promised Paradise” [Asharah al-Mubashsharah], Forged *Hadith*.

^۱. Date of Submit: ۸, November, ۲۰۲۰ and Date of Accept: ۳, March, ۲۰۲۱.

^۲. Associate Professor, Comparative Studies of Quran Faculty, Al-Mustafa International University; (mj_eskandarlo@miu.ac.ir).